

## بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه بیست و یکم ۱۳۹۷/۰۸/۲۰

موضوع: «اجتهاد» و «تقلید» از دیدگاه فریقین

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلاة علی

رسول الله و علی آل الله لاسیما علی مولانا بقیة الله و اللعن الدائم علی اعدائهم اعداء الله إلی یوم لقاء الله

با توجه به وعده‌ای که داده بودیم، قرار شد شنبه و یکشنبه را به بحث فقه مقارن اختصاص بدهیم و دوشنبه و

سه شنبه را به بحث‌هایی که داشتیم بپردازیم.

در رابطه با فقه، قبلاً بسیاری از دوستان از ما خواسته بودند بحث «اجتهاد و تقلید از دیدگاه فریقین» را بیان کنیم.

یکی از اساسی‌ترین مباحث میان شیعه و اهل سنت، بحث «اجتهاد و تقلید» است که از دیرباز مورد توجه بزرگان بوده

است و یکی از مباحث اساسی جامعه امروز نیز هست. سؤال این است که اصلاً قضیه اجتهاد و تقلید چیست و از کجا

آغاز شده است؟!

اهل سنت، خود رسول گرامی اسلام را به عنوان یک مجتهد معرفی می‌کنند و در این زمینه کتاب‌هایی هم نوشته‌اند که

من مشخصات این کتاب‌ها را عرض می‌کنم. کتاب مستقلی تحت عنوان «اجتهاد الرسول» نوشته شده است!!

نبی گرامی اسلام در خصوص مواردی که وحی نمی‌شد، اجتهاد می‌کردند و به نظر خودشان هم عمل می‌کردند!! مجتهد

هم وضعیتش معلوم است؛

« إذا اجتهد فأصاب الحکم فله أجران وإذا اجتهد فأخطأ فله أجر واحد»

المصنف، اسم المؤلف: أبو بکر عبد الرزاق بن همام الصنعانی، دار النشر: المکتب الإسلامی - بیروت - ۱۴۰۳،

الطبعة: الثانية، تحقیق: حبیب الرحمن الأعظمی، ج ۱۱، ص ۳۲۸، ش ۲۰۶۷۴

البته بعضی از علمای اهل سنت هم اعتراضاتی به این نظریه دارند. «ابن حزم أندلسی» می‌گوید:

«إن من ظن أن الاجتهاد يجوز لهم في شرع شريعة لم يوح إليهم فيها فهو كفر عظيم»

هرگاه کسی گمان برد که پیامبر حکمی را بدون راهنمایی وحی از راه اجتهاد بیان داشته است، مرتکب کفر شده است.

الإحكام في أصول الأحكام ، اسم المؤلف: علي بن أحمد بن حزم الأندلسي أبو محمد ، دار النشر : دار الحديث - القاهرة - ١٤٠٤ ، الطبعة : الأولى؛ ج ٥، ص ١٢٣

معلوم می‌شود که آقایان تا این اندازه راه افراط و تفریط را رفته‌اند. بحث دوم بحث «اجتهاد صحابه» است. این بحث شاید حساس‌ترین بحث است و من ندیدم که به صورت مقارن بحث شود.

«مرحوم شرف الدین» کتابی تحت عنوان «النص و الاجتهاد» دارد و به حق خوب کار کرده است. او موارد زیادی آورده است که اگر ما آن زمان خدمت ایشان شرفیاب می‌شدیم، عرض می‌کردیم که به جای صد مورد بیست مورد بیاورند ولی خوب جوانب کار بررسی شود. ایشان موارد را به صورت فهرست‌وار بیان کردند و از آن گذشتند. شاید بتوان دهها جلسه در خصوص تک تک بحث‌هایی که ایشان در کتاب «النص و الاجتهاد» دارد، بحث کرد. به این معنا که جا دارد و مطلب هم هست.

البته شاید نظر ایشان این بوده است که کلیاتی از اجتهادات اهل سنت در برابر نص قرآن و نص رسول اکرم که در حقیقت تعارض سخیفی است بیان کند و شاید ایشان گستردگی کار را به آینده موکول کرده است.

در خصوص اینکه واقعاً صحابه مجتهد بودند یا نبودند، اولاً باید ببینیم که اجتهاد به چه معناست؟ مجتهد که می‌خواهد اجتهاد کند، اگر مراد از اجتهاد، همان اجتهاد از کتاب و سنت است که ما هم آن را قبول داریم. اگر صحابه‌ای از کتاب و سنت اجتهاد کند و به نتیجه‌ای برسد و تلاش کند و خطا هم کند، ما می‌گوییم که معذور است. اگر این صحابه درست هم بگویند که نزد خداوند عالم پاداش دارد.

ولی اینکه ما در کنار «کتاب» و «سنت»، «قیاس» را هم اضافه کنیم و از آن طرف «رأی» را هم اضافه کنیم. بعد از مجتهد پرسیم که اگر چنانچه آیه یا سنتی نبود چکار می‌کنی؟ در جواب بگویند: «اجتهد برأی»!

متأسفانه و متأسفانه یکی از مصیبت‌های اهل سنت همان روایت «معاذ بن جبل» است. که رسول اکرم او را به یمن می‌فرستد و به او می‌فرماید: اگر به آنجا رفتی و مسائلی پیش آمد چکار می‌کنی؟ او در جواب می‌گوید: از کتاب استفاده می‌کنم.

حضرت می‌پرسد: اگر کتاب یا آیه نبود چکار می‌کنی؟ او در جواب می‌گوید: از سنت استفاده می‌کنم. حضرت می‌پرسد: اگر سنت نبود چکار می‌کنی؟ او در جواب می‌گوید: «اجتهد برآیی». رسول گرامی اسلام خوشحال شد و فرمود:

«الحمد لله الذي وفق رسول رسول الله»

کتاب المصنف في الأحاديث والآثار ، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبة الكوفي، دار النشر:

مكتبة الرشد - الرياض - ١٤٠٩، الطبعة: الأولى، تحقيق: كمال يوسف الحوت؛ ج٦، ص ١٣

بساط اجتهاد اهل سنت همین یک روایت است که «معاذ بن جبل» گفت: «اجتهد برآیی». «اجتهدوا برآیی» به چه معناست؟ به معنای این است که آنچه دلم خواست انجام می‌دهم.

آقایان به ما اشکال می‌کنند که شما معتقد به ولایت تشریحی برای ائمه اطهار هستید. البته ما برای خودمان در مسئله ولایت تشریحی، دلیل و ادله داریم. ائمه اطهار (علیهم السلام) ارتباط به وحی دارند و کلیات را از نبی گرامی اسلام گرفتند، مرتب با ملائکه مرتبط بودند و معصوم هستند و از خاندان:

(وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ)

و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید. آنچه آورده چیزی جز وحی نیست که به او وحی شده است.

سوره نجم (٥٣): آیات ٣ و ٤

هستند. صحابه‌ای که تا دیروز شترچرانی می‌کردند، الآن می‌گویند: «اجتهد برآیی». «اجتهد برآیی» به این معناست که آنچه خودم صلاح دیدم بر شرع اضافه می‌کنم یا از شرع کسر می‌کنم!!

ان شاءالله یکی از بحث‌هایی که باید خوب روی آن کار کنیم و به دوستان توصیه می‌کنم که در این مورد کار نکنید، این است که روی حدیث «معاذ بن جبل» خوب کار شود تا اهل سنت خلع سلاح شوند.

اصلاً باید ببینیم که خود اهل سنت حدیث «معاذ بن جبل» را از نظر سند و از نظر دلالت قبول دارند یا قبول ندارند. تمام بساط اهل سنت در اجتهاد صحابه، اجتهاد به رأی است، نه اجتهاد به کتاب و سنت.

عرض کردم که ما با اجتهاد به کتاب و سنت با کسی دعوا نداریم. آیه‌ای باشد که از آیه استفاده‌ای کند یا از سنت استفاده کند؛ گرچه آن‌ها اجتهاد صحابه از آیات را هم زیر سؤال برده‌اند. وقتی یکی از صحابه بدری به نام «قدامة بن مطعون» شراب خورد، خلیفه دوم گفت: چرا شراب خوردی؟ او گفت: من طبق آیه قرآن عمل کردم.

**(لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعِمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا وَآمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ)**

بر کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند گناهی در آنچه خورده‌اند نیست (و نسبت به نوشیدن شراب قبل از نزول حکم تحریم مجازات نمی‌شوند) مشروط بر اینکه تقوا پیشه کنند و ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند.

**سوره مائده (۵): آیه ۹۳**

او ادعا کرد که قرآن کریم می‌فرماید اگر تقوا داشته باشید اشکالی ندارد هرچه بخورید. من هم بر این مبنا اجتهاد کردم و شراب خوردم.

«عمر بن خطاب» هم با صحابه مشورت کرد و گفت که **(إِذَا مَا اتَّقَوْا)** جلوی قضیه را می‌گیرد، زیرا زمانی که خداوند عالم در قرآن کریم می‌فرماید:

**(إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ)**

شراب و قمار و بت‌ها و ازلام (که یک نوع بخت‌آزمایی بوده) پلیدند و از عمل شیطان‌اند از آن‌ها دوری کنید تا رستگار شوید.

## سوره مائده (۵): آیه ۹۰

دیگر تقوایی در کار نیست. بنابراین «قدامة بن مظعون» را خواباند و به او هشتاد ضربه شلاق زد، ولو اجتهاد او، اجتهاد از قرآن بوده است. حال این اجتهاد چه اجتهادی است باید روی آن کار شود.

اجتهاد چنین نیست که کسی بخواهد بر مبنای هوای نفس از قرآن کریم استفاده کند و آنچه را که دلش می‌خواهد انجام دهد و عقیده خود را بر قرآن کریم تحمیل کند. اجتهاد واقعی این است که انسان بیاید تمام آیات قرآن کریم را بررسی کند؛ ناسخ و منسوخ، مطلق و مقید، خاص و عام و دیگر موارد را بررسی کند و بعد استنباطی از آیات داشته باشد.

کسی می‌تواند اجتهاد کند که واقعاً ملکه اجتهاد داشته باشد و کاملاً بر کتاب و سنت مسلط باشد، نه اینکه یک آیه را بگیرد و دهها آیات دیگر را فراموش کند.

### (أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَ تَكْفُرُونَ بِبَعْضِ)

آیا به بعضی از دستورات کتاب آسمانی ایمان می‌آورید و به بعضی کافر می‌شوید؟!

## سوره بقره (۲): آیه ۸۵

بنابراین این بحث «اجتهاد صحابه» یکی از بحث‌های اساسی است و اختلاف عمیقی میان نگاه شیعه و نگاه اهل سنت است.

از یک طرف ابوبکر نسبت به کسانی که به او زکات ندادند دستور داد که همه را قتل عام کنند. صحابه اعتراض کردند، «عمر» اعتراض کرد و با صحابه مشورت کرد. صحابه گفتند که این افراد نماز می‌خوانند و حج می‌روند و به خداوند ایمان دارند، اما نمی‌خواهند زکات بدهند. این افراد منکر زکات نیستند، می‌گویند که ما به ابوبکر زکات نمی‌دهیم.

ابوبکر گفت: به خدا قسم اگر به اندازه یک زین شتر هم که به پیغمبر اکرم زکات می‌دادند به من ندهند، با آنها قتال می‌کنم.

پرسش:

آیا معیار اهل سنت در اجتهاد به رأی، همان قیاس است؟

**پاسخ:**

نه، قیاس غیر از رأی است. قیاس به این معناست که چیزی را بگیرد و بر او قیاس کند، اما «رأی» این است که اصلاً ما «مقیس» و «مقیسٌ علیه» هم نداریم. شخص آنچه به ذهنش می‌رسد را بیان می‌کند. این شخص، خود را به عنوان مشرّع مطرح می‌کند. عمل به رأی می‌کند یعنی مشرّع است. یعنی ولایت تشریحی دارد.

به این معنا که به آنچه دلش می‌خواهد عمل می‌کند. این شخص به مرحله‌ای رسیده است که رأی او، رأی رسول الله است. همانطور که مفتی اعظم عربستان سعودی «آل شیخ» می‌گوید: «المفتی یفتی عن الله».

یا اینکه مفتی به مرحله‌ای رسیده است که نائب مناب پیغمبر اکرم است. گفتار مفتی، گفتار پیغمبر اکرم است. «ابن قیم» در کتاب «اعلام الموقعین» در مورد مفتی می‌گوید:

«المفتی یوقِّع عن الله»

مفتی حق امضاء از طرف خداوند دارد.

إعلام الموقعین عن رب العالمین، المؤلف: محمد بن ابی بکر بن ایوب بن سعد شمس الدین ابن قیم الجوزیة (المتوفی: ۷۵۱ هـ)، تحقیق: محمد عبد السلام إبراهیم، الناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۱

هـ - ۱۹۹۱ م، ج ۱، ص ۸

حرف او به این معناست که مفتی قائم مقام خداوند است. همانطور که معاون از طرف رئیس جمهور امضاء می‌کند، مفتی هم از طرف خداوند عالم حق امضاء دارد. حال دیگر نمی‌دانیم قضیه چیست.

ابوبکر برخلاف اجتهاد و رأی صحابه و سنت پیغمبر اکرم اجتهاد می‌کند. صدها نفر می‌گویند که پیغمبر اکرم فرموده است:

«أمرت أن أقاتل الناس حتى يقولوا لا إله إلا الله»

المصنف، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الرزاق بن همام الصنعاني، دار النشر: المكتب الإسلامي - بيروت - ١٤٠٣،

الطبعة: الثانية، تحقيق: حبيب الرحمن الأعظمي، ج ٤، ص ٤٤، ح ٦٩١٦

پیغمبر اکرم فرموده است که وقتی افراد ایمان آوردند جان و مال و عرضشان محترم است. ولی ابوبکر گفت که من آن را قبول ندارم، سپس هجوم بردند و صدها و هزاران نفر از مسلمانان را قتل عام کردند و همسر و فرزندانشان را اسیر کردند.

زمانی که «عمر بن خطاب» روی کار آمد اسرا را آزاد کرد. خاندان «مالک بن نویره» از قبیل برادر و همسر و فرزندان او را که در مدینه اسیر بودند هم جزو آزاد شدگان بودند.

از طرف دیگر قضیه درباره امیرالمؤمنین برعکس می شود. «طلحه» و «زبیر» و «عایشه» می گویند:

«نذهب إلى المدينة فنطلب من علي أن يسلم إلينا قتلة عثمان فيقتلوا وقال آخرون بل نذهب إلى البصرة فنتقوى من هنالك بالخييل والرجال»

البداية والنهاية، اسم المؤلف: إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي أبو الفداء، دار النشر: مكتبة المعارف - بيروت،

ج ٧، ص ٢٣١، باب ابتداء وقعة الجمل

اهل سنت ادعا می کنند که این افراد مجتهد بودند، اجتهاد کردند و می خواستند بروند صلح کنند!!

ما بارها از اهل سنت سؤال کردیم که مگر در بصره کسی با هم دعوا کرده بودند که می خواستند صلح کنند؟ اگر عثمان کشته شده است، عثمان را در مدینه کشتند، چه ربطی به بصره دارد؟

اگر قرار است قاتلین عثمان را پیدا کنند عمدتاً با «محمد بن ابی بکر» از مصر آمده بودند. به دلیل اینکه در بصره «زبیر» طرفدارانی دارد، کوفه نزدیک بصره است و آنجا «طلحه» طرفدارانی دارد. آن ها نقشه کشیدند و گفتند که می رویم طرفداران آن ها را جمع می کنیم و؛

«کنا نقاتل علیا»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر: دار الكتب

العلمية - بيروت - ١٤١١هـ - ١٩٩٠م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا؛ ج ٣، ص ٤١٧، ح ٥٥٨٩

چرا این افراد چنین نظری داشتند؟! می گویند آنها مجتهد بودند. معاویه هجده ماه جنگ صفین را به درازا کشاند و موجب شد صد و ده هزار کشته بر جای بماند. حال نسبت به معاویه ادعا می کنند که او مجتهد بوده و اجتهاد کرده است!!

به این خاطر عرض کردم که بحث اجتهاد یکی از بحث های اساسی است و شما باید خوب روی آن کار کنید. اجتهاد تنها بحث فقه نیست.

امروز داعش دارد جنایت می کند و ادعا می کنند که اینها همگی مجتهد هستند. هر گردان یا گروهانی یک مفتی دارد که وقتی مفتی آنها دستور می دهد مردم را سر بفرید آنها را سر می بزنند. وقتی که مفتی دستور میدهد آنها را در آتش بسوزانید می سوزانند.

زمانی که مفتی دستور می دهد مردم را قطعه قطعه کنید آنها را قطعه قطعه می کنند. با این مبنا که آنها مجتهد هستند و آنچه را که انجام می دهند طبق اجتهاد خودشان است!! بنابراین ما از این جهت بحث اجتهاد و تقلید را شروع کردیم چرا که این بحث اساسی و ریشه ای است.

در ادامه به بحث تقلید می رسیم. آقایان اهل سنت دائماً دم از اجتهاد می زنند، اما زمانی که «ابوحنیفه» و «مالک» و «احمد» و دیگران می آیند، درب اجتهاد بسته می شود و ادعا می کنند که ما دیگر نمی توانیم اجتهاد کنیم و باید مقلد باشیم.

شما ببینید نزدیک به هزار سال است فقهای حنفی ادعا می کنند که به ما مربوط نیست، آنچه فقهای ما گفته اند ما مقلد «ابوحنیفه» هستیم و خوب و بد آن بیخ ریش صاحبش است. مالکی ها ادعا می کنند که ما مقلد «مالک» هستیم. حنبلی ها ادعا می کنند که ما مقلد «احمد بن حنبل» هستیم.



آقایانی که این همه طرفداری از اجتهاد کرده بودند و این همه سروصدا و کشت و کشتار و این همه جنایات را در سایه اجتهاد توجیه کرده بودند، حال می گویند بزرگان ما، درب اجتهاد را بستند. ببینید یک بام و دو هواست!

از یک طرف بحث اجتهاد تا جایی پیش می آید که معاویه هم مجتهد می شود، «طلحه» و «زبیر» و «عایشه» هم اجتهاد کردند و یزید بن معاویه هم اجتهاد کرده است. «ابن تیمیه» به صراحت می گوید: یزید مجتهد بوده است، اجتهاد کرد و امام حسین را کشت!!

«ابن حزم أندلسی» می گوید: «عبدالرحمن بن ملجم» هم مجتهد بوده است. او در مورد قتل علی بن ابی طالب اجتهاد کرد و خطا کرده است و ثواب هم برده است!! یعنی کار به اینجا رسیده است!

حال بعد از مدتی ادعا می کنند که فاصله ما با زمان صدور روایت زیاد شده است و کسی همانند «ابوحنیفه» نداریم و باید مقلد «ابوحنیفه» باشیم، ما باید مقلد «مالک» باشیم، ما باید مقلد «احمد بن حنبل» یا مقلد «شافعی» باشیم.

### پرسش:

مفتی به چه معناست؟

### پاسخ:

مفتی کسی است که اقوال «ابوحنیفه» را خوب توضیح بدهد و برای مردم بیان کند. مفتی مالکی کسی است که از اقوال «مالک» خوب استفاده کند، ولو اینکه بر خلاف شرع باشد و کاری با آن ندارد.

یکی از نکاتی که عزیزان باید آن را خوب دقت کنند، درگیری میان «ابن تیمیه» و «علامه حلی» است.

حال اینکه «ابن تیمیه» چه حرف های بی اساسی زده است بماند، اما مطالعه آثار شیعه و آثار «علامه حلی» در «ابن تیمیه» تأثیر گذاشت که بساط تقلید را به هم زد و گفت ما هم باید همانند شیعه اجتهاد کنیم. او گفت اینکه ما بیاییم

بگوییم مقلد «مالک»، مقلد «ابوحنیفه» یا مقلد «شافعی» هستیم همگی کفریات است!!

یکی از آثار درگیری «ابن تیمیه» با «علامه حلی» این بود که ایشان از فقه شیعه متأثر شد و درب اجتهاد را برای وهابیت باز کرد و خانه تقلید را برای همیشه سرکوب و ویران کرد. لذا در میان وهابیت بعد از «ابن تیمیه» بحث تقلید در کار نیست. مجتهدی که آنها دارند همان شرایط اجتهاد در نزد ماست، البته با این تفاوت که آنها بحث کتاب و سنت و اجماع و رأی و قیاس را دارند، اما ما فقط کتاب و سنت و اجماع را داریم.

البته بعضی از بزرگانمان همانند «سید سابق» صاحب کتاب «فقه السنة» یا «غزالی» متأثر شدند. یعنی تقریباً در طول دوپست، سیصد سال اخیر تعدادی از بزرگان اهل سنت در رابطه با بحث اجتهاد حرف زدند، علیه تقلید حرف زدند که بنده تمام اقوال آنها را دارم و خدمت دوستان می‌آورم. علمای اهل سنت کتاب‌های مستقلی در ردّ و بطلان تقلید نوشتند. ان شاءالله به حول قوه الهی بنده این مطالب را خدمت دوستان عرض می‌کنم.

### پرسش:

آیا شیعه هم «قیاس» دارد؟

### پاسخ:

بله ما هم قیاس را داریم. ما قیاس «منصوص العلة» را قبول داریم. اینکه می‌گویند شیعه قیاس را قبول ندارد اشتباه است.

اگر در روایتی شارع مقدس علت را بیان کرد، ما می‌آییم تنقیح مناط می‌کنیم. مشاهده کنید در کتب فقهی، فقه‌های ما با تنقیح مناط چقدر روی فروع افتوا دادند و این همان قیاس است. فرمود:

«لا تشرب الخمر فإنه مسکر»

ما می‌گوییم که کشمش را جوشانیدیم. حال چکار کنیم؟ ما روایتی در رابطه با زبیب یا تمبر نداریم، چکار کنیم؟ ما باید بگوییم که در آنجا گفت: «لأنه مسکر». به دلیل اینکه شارع مقدس در آنجا علت را بیان کرد، ما القاء خصوصیت می‌کنیم و تنقیح مناط می‌کنیم و می‌گوییم:

«كلّ شيء فيه إسكار فهو حرام»

اگر قیاس این باشد ما هم آن را قبول داریم، اما یک مرتبه قیاس این نیست. شخصی آسمان و ریسمان را به هم می‌پیوندد و می‌خواهد قیاس کند. او حکمی را می‌گیرد و بر مبنای آن فروعاً دیگری را هم اضافه می‌کند. ما این قیاس و رأی را قبول نداریم.

«عَنْ عَيْسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْفُرَشِيِّ قَالَ: دَخَلَ أَبُو حَنِيفَةَ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فَقَالَ لَهُ يَا أَبَا حَنِيفَةَ بَلَّغْنِي أَنَّكَ تَقِيسُ قَالَ نَعَمْ قَالَ لَا تَقِيسُ فَإِنَّ أَوَّلَ مَنْ قَاسَ إِبْلِيسُ»

همچنان که قرآن کریم فرمود:

(خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ)

مرا از آتش آفریده‌ای و او را از خاک!

سوره اعراف (۷): آیه ۱۲

پرسش:

اگر حکمی در کتاب و سنت مشخص نشد و قیاس هم به نظر ما باطل است، باید چکار کنیم؟

پاسخ:

شارع مقدس تمام این موارد را بیان کرده است. اگر چنانچه ما مواردی داریم که حکمش مشخص نیست، از «اطلاقات» استفاده می‌کنیم، از «عمومات» استفاه می‌کنیم، از «اصالة الحلیة» استفاده می‌کنیم و از اصول لفظیه و عملیه استفاده می‌کنیم.

شارع مقدس آن‌ها را برای ما به عنوان کلیات بیان کرده است و خودشان هم فرمودند:

«عَلَيْنَا إِقْنَاءُ الْأُصُولِ وَ عَلَيْكُمْ التَّفْرِيعُ»

وسائل الشیعة، نویسنده: شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، محقق / مصحح: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ج

۲۷، ص ۶۲، ح ۳۳۲۰۲

ائمه اطهار اصول را برای ما بیان کردند و ما مشکلی نداریم. با این کلیاتی که ائمه اطهار بیان کردند و اطلاقاتی که در روایات داریم کاملاً مسئله حل است و ما مشکلی پیدا نمی‌کنیم.

ببینید ما چقدر در فقه از «اصالة البرائة عقلیه» استفاده کردیم؟ هرکجا که استفاده می‌کنند، می‌گویند که پایه آن «اصالة البرائة شرعیه» است. ما کاری به احتیاط عقلی نداریم، بلکه به احتیاط شرعی کار داریم. لذا اصول لفظیه بدون پشتوانه روایات برای ما راه به جایی نمی‌برد.

در رابطه با اهل سنت کتاب‌های زیادی نوشته شده است. «اسلام کوئیست» یکی از سایت‌هایی است که امروزه عمدتاً وهابیت پشت این سایت هستند. در این سایت وارد شده است:

### «كيف تشکلة المذاهب الأربعة ... و متى اغلق باب الإجتهد»

این‌ها بحث تقریباً دوازده صفحه‌ای دارند و مستند هم هست. کتاب «التقلید عند أهل السنة» اثر «سامی بهادلی» است و ایشان هم خوب کار کرده است. این‌ها مواردی است که امروز در کتاب‌ها و سایت‌های اهل سنت آمده است.

کتاب «القول المفید فی أدلة الإجتهد و التقلید» اثر «شوکانی» است که یکی از علمای بزرگ زیدی است، اما متأثر از سلفی‌گری و وهابیت است. و همچنین کتاب «الإجتهد بالرأی عند أهل السنة» مواردی است که در سایت‌های مختلف آمده است.

بنده چند مورد را که ضرورت دارد دوستان حتماً بروند روی سایت و آن‌ها را ببینند بیان می‌کنم. ما دو سه مورد نمونه آوردیم و دوستان روی موارد آن خودشان کار می‌کنند.

کتاب دیگر در زمینه اجتهاد و تقلید «انحراف عقیده الإمامة و الإجتهد عند الإسلامیین» است. و نیز کتاب «الأصل فی الإجتهد و مجال الإجتهد و شرائط الإجتهد» که در آن وارد شده است:

### «الإجتهد الجماعی فی العالم الإسلامی»

اجتهاد دسته جمعی در جهان اسلام.

دانشگاه الإمارات العربية دانشکده شریعت قانون این کتاب را نوشته است. به نظر بنده ضرورت دارد دوستان این کتاب را حتماً مطالعه کنند.

ما تعبیری تحت عنوان «شورای فقاہت» یا «شورای ولایت فقیہ» داریم و این افراد هم شورای فقاہت و لجن‌های از تعدادی از مفتیان‌شان درست کردند.

وقتی یک مسئله شرعی پیش می‌آید همگی دسته جمعی از آیات، روایات، رأی، قیاس، استحسان و دیگر موارد در رابطه با این موضوع حکمی اجتهاد می‌کنند و رأی می‌دهند.

این شورای فقاہت در رابطه با اجتهاد فردی هم بسیار مفصل مذمت کردند. این کتاب بسیار کتاب خوبی است که در سایت‌های مختلف هم هست.

اگر دوستان عبارت «[الإجتہاد الجماعی فی العالم الإسلامی](#)» را بزنند تمام برنامه‌هایشان می‌آید و سخنرانی‌های مختلفی که در همایش داشتند می‌آید که سخنرانی‌های بسیار خوبی است.

در این سایت بخشی تحت عنوان «[الإجتہاد الجماعی فی السعودیة](#)» دارد که توصیه می‌کنم دوستان آن را حتماً ملاحظه کنند. بخش‌های مختلفی همانند «[الإجتہاد الجماعی فی مصر](#)»، «[الإجتہاد الجماعی فی الأردن](#)» در این سایت وجود دارد.

مصر و سعودی را تک تک بزرگان‌شان سخنرانی کردند و آنچه که اجتهاد دسته جمعی در مصر و عربستان سعودی است را به زیبایی درآوردند و مستند هست.

دکتر «وهبه زحیلی» هم که شخصیتی برجسته و مشهور اهل سنت است، کتابی به نام «اجتهاد التابعین» دارد که کتاب بسیار خوبی است و روی اینترنت هم موجود است.

«شیخ عبدالجلیل ابو نصر» از معاصرین است که کتابی به نام «اجتهاد الرسول» دارد. یکی از کتاب‌هایی که ما باید روی آن کار کنیم و خوب هم باید روی آن کار شود همین کتاب است.

باید ببینیم که آیا نستجیر بالله پیغمبر اکرم هم مجتهد بوده است یا به خاطر اینکه اهل سنت نمی‌توانند صحابه و تابعین را به مقام پیغمبر اکرم برسانند، مقام پیغمبر اکرم را پایین می‌آورند.

در قضایایی همانند "بول قائماً" زمانی که می‌بینند عمر بن خطاب همیشه ایستاده بول می‌کرد، «عبدالله بن عمر» ایستاده بول می‌کرد و مردم به آن‌ها اعتراض می‌کردند روایاتی درست کردند مبنی بر اینکه:

«أَنَّ النَّبِيَّ كَانَ يُبُولُ قَائِمًا»

الجامع الصحيح سنن الترمذی، اسم المؤلف: محمد بن عیسیٰ أبو عیسیٰ الترمذی السلمی، دار النشر: دار إحياء

التراث العربی - بیروت --، تحقیق: أحمد محمد شاکر وآخرون، ج ۱، ص ۱۷، ح ۱۲

آن‌ها سعی کردند پیغمبر را پائین بیاورند و کاری کنند تا عملکرد صحابه را توجیه کنند. «نووی» می‌نویسد که در شهر «هرات» واقع در افغانستان مسلمانان هر سال یک مرتبه ایستاده بول می‌کنند تا به سنت پیغمبر اکرم سالی یک مرتبه عمل کرده باشند.

گوئی آقایان به تمامی سنت پیغمبر اکرم عمل کردند و آن‌ها تمام شده است، فقط یک مورد مانده است که آن هم ایستاده بول کردن است!

دکتر «وهبه زحیلی» کتابی به نام «تغییر الاجتهاد» دارد که فایل پی دی اف یا ورد یا اچ تی ام ال آن در سایت‌ها موجود است.

«فیصل عبدالعزیز» کتابی تحت عنوان «مقام الرشاد بین التقليد و الاجتهاد» دارد که کتاب خوبی است. دوستان ان شاءالله روی این کتاب کار کنند.

«علاءالدین حسین رحال» کتابی تحت عنوان «معالم و ضوابط الاجتهاد عند ابن تیمیة» دارد. یکی از کتاب‌هایی که باید روی آن کار کنیم همین کتاب است که با آن خیلی کار داریم.

ما با کتاب «اجتهاد الرسول» هم کار داریم که باید مفصل روی آن کار کنیم. این کتاب‌ها از آن دسته کتاب‌هایی است که ضرورت دارد. کتاب دیگر «الاجتهاد العامة للإجتهد» نام دارد که کتاب خوبی است.

در حال حاضر این کتب در سایتهای مختلف موجود است که باید روی این کتابها کار کرد. هدف بنده این است که این کتابها را برای دوستان معرفی کنیم تا دوستان با اینها آشنا بشوند. باید روی این کتابها کار شود. رُک بگویم اینکه دوستان تنها منتظر باشند که ما در اینجا نیم ساعت یا یک ساعت صحبت کنیم و به آن اکتفا کنند به درد نمی‌خورد.

بحثهایی که ما اینجا داریم در حقیقت نقطه آغاز کار است. دوستان باید برای بحثهایی که ما داریم حداقل روزی دو سه ساعت جانانه کار کنند تا فردا بتوانند پاسخگو باشند.

این بحث اجتهاد و تقلید، بحث ریشه‌ای است و بحث ساده نیست که ما بخواهیم بحثی داشته باشیم و یادداشتی کرده باشیم و تمام شود. ما کتابهای دیگری داریم که ان شاءالله بعداً اسامی آن را بیان خواهیم کرد.

بنده فردا هم بحث را به معرفی این کتب اختصاص می‌دهم تا حداقل کتابهایی که اهل سنت در رابطه با اجتهاد دارند را بیان کنیم.

همچنین در رابطه با کتابهایی که شیعه در رابطه با اجتهاد دارد کتاب «النص و الاجتهاد» اثر «مرحوم شرف الدین» است که مطالعه کردن آن ضرورت دارد.

«سید منذر طباطبائی حکیم» پنج جلد کتاب به نام «مراحل تطور الاجتهاد فی الفقه الإمامی» دارد. این کتاب خوب است، اما فهرست آن را نگاه کنید کافی است و لازم نیست آن را مطالعه کنید.

آقای «جناتی» هم که ان شاءالله خداوند ایشان را حفظ کند کتابی تحت عنوان «منابع اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی» دارند که خوب است.

«شیخ عدنان فرهاد» یکی از طلاب جامعه المصطفی کتابی به نام «الاجتهاد عند الشیعة الإمامیة و أدواره و اطواره» دارد. این کتاب از کتبی است که ضرورت دارد دوستان حتماً آن را دانلود کنند و روی کامپیوترشان داشته باشند.

البته فایل ورد این کتاب در مرکز نور موجود است، اما متأسفانه باید پول بدهید و فایل آن را بخرید. وهابی‌ها نرم افزار عریض و طویل می‌نویسند و رایگان روی سایتها می‌گذارند و هر هفته هم به آن چهل الی پنجاه کتاب اضافه می‌کنند.

زمانی که شما کامپیوتر خود را باز می‌کنید به شما پیام می‌دهد که ما این هفته پنجاه کتاب اضافه کردیم، می‌خواهید به نرم افزارتان اضافه شود یا خیر!؟

وهابی‌ها این چنین فرهنگ خود را نشر می‌دهند و ما هم مرکزی داریم که سی، چهل تا نرم افزار می‌نویسند که برای هر نرم افزار پول باید بدهید. و اگر دو مرتبه یا سه مرتبه نرم افزار را در کامپیوتر خود گذاشتید دیگر قفل آن به درد نمی‌خورد و باید اضافه کنید.

این مرکز اگر کتاب پی دی اف هم دارند در وسط صفحات آن می‌نویسند که این کتاب توسط مرکز نور نوشته شده است. من نمی‌دانم این آقایان کجای کار هستند. بنده به عنوان کسی که ایرانی هستم والله از بودجه بیت المال که در اختیار این افراد قرار می‌گیرد راضی نیستم.

این‌ها با این کار خود آبروی شیعه را می‌برند. وهابیت این چنین کار می‌کنند، اما بزرگواران مرکز نور هم چنین کارهایی می‌کنند. ما چندین مرتبه به این آقایان اعتراض کردیم، اما چکار باید کرد.

این کتاب در «سایت مرکز نور» است. بنده که می‌خواستم فایل ورد این کتاب را داشته باشم مجبور شدم پنجاه هزار تومان شارژ کنم تا بتوانم فایل ورد آن را دریافت کنم. بنده با فایل‌های پی دی اف زیاد کار نمی‌کنم، زیرا گاهی اوقات می‌خواهیم تغییر بدهیم یا کپی کنیم حوصله دوباره نوشتن نداریم.

بعضی از کتاب‌های شیعه را برایتان بیان کردیم که ضرورت دارد حتماً آن‌ها را مطالعه کنیم. سپس کتاب‌هایی که در اجتهاد و تقلید هست را ان شاءالله مفصل توضیح خواهم داد.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته